

رَسُولِ مَنتَجِبِ نیا مطرح کرد

وضعیت معیشت از مرحله هشدار و اخطار گذشته است

بسیاری از وزرا باید تغییر کنند

دبیرکل حزب جمهوریّت ایران اسلامی در خصوص مدیریت شرایط فعلی با وجود ناترازی ها و اثر تحریم اظهار داشت: من در ارزیابی عملکرد دولت و مجلس در سال جاری می‌کنم عملکرد آقایان موجب ظهور و بروز انواع ناترازی ها اعم از بودجه ربالی، دلاری، آب، برق، گاز و افزایش تورم شده است. اقتصادنیوز نوشت: ریشه و عامل اصلی این ناترازی ها رادر تبلیغات، منحصر به تحریم های ظالمانه غرب می‌کنند، ولی اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، بخشی از این ناترازی ها طبیعی و قابل پیش بینی است. فرض کنید باران نیامده و خشکسالی شده یا امثال این لابلیل، بخشی از این ناترازی ها مربوط به تحریم ها است. وقتی که صادرات و فروش نفت به حداقل برسد، مشکلات اعتباری برای ما به وجود می‌آورد. ولی به عقیده بنده، بخش عمده این ناترازی ها مربوط به ضعف بلکه سوء مدیریت است؛ یعنی در دولت، مجلس و حتی به نوعی قوه قضاییه، به گمان بنده، اگر در این کشور مدیریت قوی، کارآمد و پرتوانی وجود داشت، بخش زیادی از این ناترازی ها قابل حل و برطرف شدن بود؛ حتی ناترازی هایی که از دولت گذشته به ارث رسید است و غیرقابل انکار است. خود مرحوم رئیسی هم در اظهاراتش در سال گذشته گفته بود «در آینده کسری بودجه زیادی داریم و باید فکری برای کسری بودجه کنیم». بنابراین پیش بینی می‌شد بخشی از این ناترازی ها مربوط به دولت گذشته است. ولی باهمه نمی‌شود همه گنده‌ها را گردن دولت گذشته انداخت. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب بیان کرد: متأسفانه هم دولت آقای پزشکیان به‌صورت مجموعه و هم اجزای دولت، وزرا حتی زیرمجموعه آنها یعنی استانداران و مدیران کل، اکثر کارآمدی و توان لازم را ندارند؛ حتی در حوزه مقننه هم همین‌طور است؛ نمایندگان فعلی که تبدیل به یک ضرب‌المثل معروف «چهار درصدی» و «پنج درصدی» شدند. وقتی دولت ما اعضا و اجزای کارآمدی نداشته باشد، نمایندگان مجلس هم با معیارهای دیگر روی کار آمده باشند، نه معیار کارآمدی و خدمت به جامعه، نتیجه و حاصل این قضیه، همین ناترازی ها خواهد بود. یعنی ما نباید انتظار داشته باشیم این دولت و مجلس بتوانند مشکلات را حل کنند و ناترازی و گرفتاری هم نداشته باشیم، حتی تورم هم کم شود. منتجب‌نیا گفت: بنده معتقدم بسیاری از این وزرا باید تغییر کنند؛ بسیاری آنها کفایت و شایستگی وزارت ندارند یا اندکی از آنها درصدی از شایستگی دارند. این وزرا با معیارهای غیرصحيح، غیرمنطقی و با فشارها و بده‌بستان ها روی کار آمدند. اگر تغییر و تحول ایجاد نشود، مشکل با استیضاح کم‌وزیر هم حل نخواهد شد. نماینده ادوار مجلس عنوان کرد: رئیس‌جمهور و مجلس باید تصمیم بگیرند تغییر و تحولی ایجاد کنند، حتی اگر کابینه منحل شود. چه اشکالی دارد؟ وقتی کابینه، کابینه نامتواکمی است، لازم است منحل شده و باید قفنه قهرمند و کارآمد تبدیل شود. بنابراین پیش‌بینی می‌کنم اگر این تغییر و تحول اساسی به‌وجود نیاید، ما سال‌ها آینده و سال‌های آینده شاهد و خاتم هرچه بیشتر اوضاع اقتصادی و اجتماعی خواهیم بود.

◀ **نیاز به تغییر**

منتجب‌نیا اظهار کرد: یکی از عوامل ضعف و ناترازی مجلس، تداخل مسئولیت ها و دخالت در انتخاب، انتصاب و سیاست‌گذاری قوه مقننه و مجریه است. در قانون اساسی اشاره شده اما چندان به آن نپرداخته‌اند ولی ما همیشه گفتیم یکی از اختراعات نظام و قانون اساسی این است که قوای سه‌گانه مستقل هستند و در امور یکدیگر دخالت ندارند. ما عملاً می‌بینیم مسئولیت ما هم متداخل هست. کسی که رئیس یک قوه است، در دولت بیشترین نقش را دارد. اما دولت چندان دخالتی در مجلس ندارد، چون بعد از مجلس روی کار آمده و به حال ناچار است با این مجلس بسازد. با اینکه قانون اساسی استقلال قوا را مطرح می‌کند، ولی من فکر می‌کنم استقلال و بی‌طرفی این قوا کمتر مشاهده می‌شود. این سه قوه که باید کار خودشان را انجام دهند، مع‌الافرد در هم متداخل هستند. منتجب‌نیا در خصوص ضرورت تغییرات در کابینه ابراز کرد: نیاز به تغییرات در همه زمینه‌ها است. وقتی گفته می‌شود تغییر بنیادی، بخشی از آن اقتصادی است، زیرا آنچه مردم اکنون با آن مواجه هستند، مسائل اقتصادی و معیشتی است. وضعیت اقتصادی و معیشت مردم به وخامت رسیده و از مرحله هشدار و اخطار گذشته است. علاوه بر آن، وضعیت فرهنگی ما نیز مطرح است. فرهنگ ما در دست یک جمع محدود قرار گرفته که حداقل کفایت و لیاقت این کار را ندارند. این افراد در تراز و شأن این ملت و در تراز حکومت دینی و اسلامی نیستند. به عنوان مثال، برنامه‌ها و صحبت‌هایی که از صداوسیما می‌بخش می‌شود و فرهنگ‌سازی که انجام می‌دهند، مایه تأسف است. جای سؤال است که پس از چهل و چند سال، چگونه مردم با فرهنگ و سابقه تمدنی، توسط چند نفر آدم کم توجه، کم‌تحلیل و ضعیف که مسلط بر صداوسیما ملی هستند، اداره می‌شوند.

دوشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

۰۱ رجب ۱۴۴۷/۲۲ دسامبر ۲۰۲۵

«آرمان ملی» اخطار قالیباف به پزشکیان را بررسی می‌کند

دولت در دوراهی ترمیم یا استیضاح؟

◀ **هدایت... آقایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:** تغییر وزرا پاک‌کردن صورت مساله است



آرمان ملی - **حمید شجاعی**؛ شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه و گرانی‌های لجام گسیخته در حوزه‌های مختلف به‌ویژه کالاهای اساسی از یک سو و عملکردهای بعضاً انتقادآمیز برخی وزرا در دولت از سوی دیگر باعث شده تا جامعه بیش از گذشته لب به انتقادات و اعتراضات بگشاید و دولت را هدف انتقادات خود قرار دهد. دولتی که هر زمان صحبت از عملکردهای نا موفق می‌شود شرایط خاص ۱۵ ماه گذشته را به میان کشیده و بر آن تاکید می‌کند که اگر شرایط اینگونه پیش نمی‌رفت امروز با چنین وضعیتی روبه‌رو نبودیم. هر چه در صحت آنچه دولتپون در این باب می‌گویند شکی نیست؛ اما واقعیت این است که این تنها پاسخ به شرایط اقتصادی و معیشتی بغرنج جامعه نیست؛ بلکه باید مشخص شود که بروز این شرایط تابع چه مولفه‌هایی بوده است که منتج به چنین نتایجی شده است. آنچه مسلم است نمی‌توان ما جارا از یک زاویه دید و برای درک بهتر موضوع باید مساله را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. نگاه نخست ناظر بر عملکرد دولتمردان است. قریب به ۱۶ ماه از روی کارآمدن دولت مسعود پزشکیان می‌گذرد و جامعه دیگر به جایی رسیده است که بخواهد عملکرد دولت را در حوزه‌های مختلف به قضاوت بنشیند و از آنجایی‌که برای جامعه حوزه اقتصادی پیشانی عملکرد دولت است ابتدا عملکرد اقتصادی مورد قضاوت مردم قرار می‌گیرد.

در همین مسیر نگاهی به قیمت کالاهای اساسی، نرخ ارز، سکه، طلا و تأثیرات آن بر معیشت مردم و عدم تأثیر عملکردی دولت در توقف و جلوگیری از این رشد تصاعدی موجب شده تا بسیاری مدیریت دولتی را مقصر بروز چنین شرایطی بشناسند و خواهان تغییر و اصلاح در کابینه پزشکیان شوند. اما وجه دیگر ماجرا شرایط حاکم بر اقتصاد کشور است. به طور مشخص تحریم‌ها مدت‌ها است که کشور را به لحاظ اقتصادی فلج کرده و دولت نمی‌تواند آنطور که باید و شاید به مرادوات و تجارت بین‌المللی بپردازد. شرایط بی‌ثبات اقتصادی و تحولات بین‌المللی نیز مزید بر علت شده تا شرایط اقتصادی آنطور که باید مطلوب پیش نرود. بااین حال مردم ابتدا و انتهای کار دولت را مسئول و ضع معیشتی خود می‌دانند و از رئیس‌جمهور و دولتمردانش پاسخ می‌خواهند.

هر چند که دیگر مسکن‌هایی چون یارانه معیشتی یا کالابرگ نیز در شرایط فعلی چندان دردی از مردم دوا نمی‌کند و دولت باید فکر عاجلی برای برون‌رفت از این شرایط نماید. چرا که اگر وضعیت به همین منوال پیش برود شاهد شرایط به مراتب بدتری خواهیم بود و احتمال نارضایتی‌های گسترده مردم و آنچه طی سال‌های گذشته مشاهده کردیم وجود دارد.

◀ **هشدار به دولت**

مواجهه مجلس دوازدهم با دولت چهاردهم روایت فرصت طلبی در جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است. جایی‌که بهارستان نشینان به‌غم همراهی کج‌دارومریز با وفاق ملی پزشکیان از همان ابتدا نیز بدشان نمی‌آمد که دولت را با دست‌اندا‌هایی مواجه کنند. چنانکه در همان شش ماهه نخست دولت عبدالناصر همتی را به‌لایل سیاسی از قطر دولت پیاده کردند. حال اما چند مدتی است که با وجود تأکیدات

آرمان ملی - **سهیل ثابت**؛ ایران و آمریکا

هر دو از مذاکره و رسیدن به توافق خد

حرف می‌زنند؛ اما حاضر به پذیرش شروط

یکدیگر نیستند. به عبارت بهتر آمریکایی‌ها

حاضر به پذیرش شرایط ایران نیستند و

صرفاً یک طرفه بازی می‌کنند. از همین رو

است که مذاکرات همواره تا مرحله‌ای پیش

رفته و پس آن مسکوت باقی مانده و به جایی

نرسیده است. واقعیت این است که نگاه

طرفین به مقوله مذاکره و توافق فرسنگ‌ها با

یکدیگر متفاوت است و همین باعث شده تا

هر طرف نتیجه خود را از مذاکره مد نظر خود

مطرح کند. بر همین اساس ایران معتقد به

مذاکره پایاپای و برابر است و آمریکا به آنچه

که ایران تحت عنوان مذاکره می‌خواهد

اساساً از مذاکره نمی‌گوید. در قافوس ترامپ

و هیأت حاکمه امروز آمریکا مذاکره نه در

قیال تهران بلکه در قبال همه کشورها یعنی

«ما می‌گوییم و شما تایید می‌کنید».

مثل ماجرای حضور احمدالشرع

رئیس‌جمهور خودخوانده سوریه در کاخ

سفید که پس از ساعاتی آنچه ترامپ گفته

بود مورد قبول جولانی واقع شد و در مقابل

ترامپ نیز تحریم‌های سوریه را به‌طور دائمی

برداشت. به عبارتی ترامپ می‌خواهد همه

کشورها در ید اخبار خود داشته باشد تا

هر زمان خواست روند امور را به نفع خود و

ایالات متحده تغییر دهد. لذا طبیعی است

که بسیاری از کشورها به‌طور کلی از این

قاعده پیروی نکنند. ایران نیز به عنوان

بازیگر مستقل در نظام بین‌الملل و

قدرتی منطقه‌ای به‌طور طبیعی زیربار

چنین به اصطلاح مذاکره‌ای که فرقی با

مقامات علیه‌نظام به‌ویژه رهبر انقلاب بر حمایت از دولت ابایی از طرح تقابل با دولت ندارند و رسماً شمشیر را از رو بسته و دولت را در دوراهی ترمیم و استیضاح قرار داده‌اند. این بر همه واضح و مبرهن است که دولت نیاز به تغییر و ترمیم دارد و برخی وزرا باید جای خود را به نفرات مجرب‌تر و کارآمدتری بدهند؛ اما اینکه مجلسی‌ها بخواهند برای دولت شرط تعیین کنند چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. اصلاحات در دولت کار عاقلانه‌ای است، اما اینکه تغییراتی شکل نمی‌گیرد نیز شاید به این دلیل باشد که رئیس‌جمهور می‌داند اگر بخواهد نفرات مدنظر خود را برای رای اعتماد به مجلس معرفی کند تندروهای بهارستان علیه آنها موضع خواهند گرفت و پزشکیان را مجبور به معرفی نفراتی می‌کنند که مدنظر رئیس‌جمهور نیستند. پزشکیان نیز از آنجایی‌که نمی‌خواهد از در تقابل با مجلس پیش برود تغییرات در دولت را به تأخیر انداخته است. اما مجلسی‌ها گویی شمشیر خود را از رو بسته‌اند و دیگر هیچ وفاقی با دولت ندارند. در همین راستا روگذشته بود که رئیس‌مجلس در جلسه علنی در نطق پیش از دستور خود، اظهار داشت: «آنچه امروز مهم‌تر است به آن بپردازیم در دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در گرانی افسار گسیخته کالاهای معیشتی مخصوصاً افزایش قیمت ارز و طلاست که با بخشی از دلایل یا بهانه‌گرانی‌ها محسوب می‌شود لذا وظیفه خود می‌دانم به‌عرض ملت شریف ایران برسانم که مجلس با جدیت این مساله را پیگیری کرده و پیگیری خواهد کرد».

محمد باقر قالیباف گفت: «در هفته‌ای که نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه پیگیر مسائل منطقه‌ای بودند، اینجانب به‌عنوان رئیس‌مجلس و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و برخی دیگر از نمایندگان در جلسات متعدد با وزرا و اعضای هیات دولت گرانی‌ها و افزایش قیمت ارز را مورد بررسی قرار دادیم و در هفته‌ی جاری، جلسه نظارتی سه‌شنبه نیز با حضور وزرای امور اقتصادی، جهادکشاورزی، صنعت و رؤسای سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی به‌جلوگیری از کاهش قدرت خرید مردم، اجرای قانون کالابرگ و مدیریت بازار

«آرمان ملی» آخرین روند مذاکرات ایران و آمریکا را تحلیل می‌کند

مذاکره و توافق؛ شاید وقتی دیگر

سیدعباس عراقچی: آمریکایی‌ها آمادگی یک توافق عادلانه را ندارند

تسلیم ندارد، نمی‌رود. همین تفاوت در نوع نگاه به امر مذاکره باعث شده تا هنوز مذاکرات ایران و آمریکا به نتیجه خاصی نرسد. البته حسن نیت ایران در ۵ دور مذاکرات مسقط نشان داده شد جایی‌که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگوهای ۵ باره با استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در خاورمیانه مذاکرات را تا سرحدتوافق پیش برد به گفته مقامات کشورمان حتی قرار بود که در دور ششم ایران بسته پیشنهادی خود را به طرف آمریکایی ارائه کند؛ اما آمریکایی‌ها از ترس رسیدن به توافق با ایران بی‌آنکه بتوانند با فشار خواسته‌های زیاده‌خواهانه خود را به ایران تحمیل کنند فرمان جنگ علیه ایران را صادر کردند تا به نحوی میز مذاکره را منفجر کنند و نشان دهند حاضر به توافق با ایران نیستند و ایران را فقط تسلیم می‌خواهند. صحبت‌های جسته

و گریخته ترامپ، رئیس‌جمهور؛ روبویو، وزیر امور خارجه و دیگر مقامات آمریکایی در خصوص آمادگی برای مذاکره و توافق نیز همان دیکته‌ای بود که به ویتکاف گفته بودند تا در مذاکره با عراقچی پیاده‌کند اما وقتی شرایط به‌طور متعادل پیش رفت و اهداف آنها محقق نشد، به جای مذاکره جنگ را پیش گرفتند. امروز نیز شرایط به همین منوال است و آمریکایی‌ها اگر از موضوع برابر با ایران وارد مذاکره بشوند ایران پای میز مذاکره نخواهد آمد؛ اما اگر باز هم بخواهند با فشار و تهدید کار خود را پیش ببرند ایران نشان داده همان اندازه که به دیپلماسی و مذاکره

ارز اختصاص یافته است». وی افزود: «بدیهی است در صورتی‌که این اقدامات به نتیجه نرسد برای رسیدن به کمترین زمان و تنش، اولویت با ترمیم کابینه توسط دولت است و اگر اصلاحات ضروری توسط دولت محترم صورت نگیرد، نمایندگان مجبور به آغاز فرآیند استیضاح خواهند شد.» به نظر می‌رسد دولت باید انتخاب کند که در مقابل مجلس بایستد یا اینکه به نحوی با مجلس از در تعامل در آید از اصول خود نیز پایین نیاید.

◀ **پاک‌کردن صورت مساله**

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص مباحث پیرامون تغییرات در دولت اظهار داشت: این بحث‌های تغییر کابینه دو علت دارد یکی در اصل به همان مضمونی گل می‌گردد که معمولاً در مسابقات فوتبال وقتی تیمی با مجلس پیش برود تغییرات در دولت را به تأخیر انداخته است. اما مجلسی‌ها گویی شمشیر خود را از رو بسته‌اند و دیگر هیچ وفاقی با دولت ندارند. در همین راستا روگذشته بود که رئیس‌مجلس در جلسه علنی در نطق پیش از ملی گفت: امروز جدای از عملکرد افراد سیاست‌های در پیش گرفته شده کشور را زمین‌گیر کرده است.

مادر جامعه جهانی مورد تحریم گسترده قرار داریم، مورد تهدیدهای امنیتی هستیم؛ فشارهای مضاعف اقتصاد ما را ناامن کرده و در کشور سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. در این شرایط بهترین آدم‌ها و نیروها هم که سر کار باشند در چارچوب این سیاست‌ها آنها کار خاصی نمی‌توانند بکنند. لذا تغییر دادن آنها مثل تغییر مربی یک تیم شکست خورده است. ممکن است به لحاظ روانی احساس کنند در کوتاه‌مدت اتفاقی افتاده ولی واقعیت این است که در زیرساخت‌ها و در چالش‌های اصلی موازنه‌ای صورت نگرفته است.

وی افزود: بنابراین به شخصه فکر می‌کنم حتی اگر کل کابینه هم تغییر پیدا کنند ممکن است هیچ اتفاق مثبتی رخ ندهد تا زمانی‌که تغییر مهم شکل بگیرد و کشور روی ریل توسعه و مناسبات جهانی قرار گیرد.

«آرمان ملی» آخرین روند مذاکرات ایران و آمریکا را تحلیل می‌کند

مذاکره و توافق؛ شاید وقتی دیگر

سیدعباس عراقچی: آمریکایی‌ها آمادگی یک توافق عادلانه را ندارند

تسلیم ندارند، نمی‌رود. همین تفاوت در نوع نگاه به امر مذاکره باعث شده تا هنوز مذاکرات ایران و آمریکا به نتیجه خاصی نرسد. البته حسن نیت ایران در ۵ دور مذاکرات مسقط نشان داده شد جایی‌که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگوهای ۵ باره با استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در خاورمیانه مذاکرات را تا سرحدتوافق پیش برد به گفته مقامات کشورمان حتی قرار بود که در دور ششم ایران بسته پیشنهادی خود را به طرف آمریکایی ارائه کند؛ اما آمریکایی‌ها از ترس رسیدن به توافق با ایران بی‌آنکه بتوانند با فشار خواسته‌های زیاده‌خواهانه خود را به ایران تحمیل کنند فرمان جنگ علیه ایران را صادر کردند تا به نحوی میز مذاکره را منفجر کنند و نشان دهند حاضر به توافق با ایران نیستند و ایران را فقط تسلیم می‌خواهند. صحبت‌های جسته

و گریخته ترامپ، رئیس‌جمهور؛ روبویو، وزیر امور خارجه و دیگر مقامات آمریکایی در خصوص آمادگی برای مذاکره و توافق نیز همان دیکته‌ای بود که به ویتکاف گفته بودند تا در مذاکره با عراقچی پیاده‌کند اما وقتی شرایط به‌طور متعادل پیش رفت و اهداف آنها محقق نشد، به جای مذاکره جنگ را پیش گرفتند. امروز نیز شرایط به همین منوال است و آمریکایی‌ها اگر از موضوع برابر با ایران وارد مذاکره بشوند ایران پای میز مذاکره نخواهد آمد؛ اما اگر باز هم بخواهند با فشار و تهدید کار خود را پیش ببرند ایران نشان داده همان اندازه که به دیپلماسی و مذاکره

ارز اختصاص یافته است». وی افزود: «بدیهی است در صورتی‌که این اقدامات به نتیجه نرسد برای رسیدن به کمترین زمان و تنش، اولویت با ترمیم کابینه توسط دولت است و اگر اصلاحات ضروری توسط دولت محترم صورت نگیرد، نمایندگان مجبور به آغاز فرآیند استیضاح خواهند شد.» به نظر می‌رسد دولت باید انتخاب کند که در مقابل مجلس بایستد یا اینکه به نحوی با مجلس از در تعامل در آید از اصول خود نیز پایین نیاید.

گزارش

روایت صادق زیباکلام از تضعیف طبقه متوسط و تأثیر آن بر دولت

طبقه متوسط همچنان پشت جریان میانه‌رواست

هنوز دود از کنده طبقه متوسط بلند می‌شود

یک تحلیلگر مسائل سیاسی در خصوص نقش طبقه متوسط در بهم‌ریختن معادلات و تضعیف پایگاه پزشکیان در دور بعدی انتخابات اظهار داشت: یکی از تحولات تدریجی که بعد از انقلاب رخ داد، ارتقای جایگاه اقشار کم‌درآمدتر جامعه بود، کسانی‌که اصطلاحاً به آنها مستضعفین گفته می‌شد. این ارتقا، اما ارتقایی مصنوعی بود. به‌طوری‌که بالابردن نقش مستضعفین باعث شد که اساساً مستضعف، محروم و فقیربودن، نوعی ارزش تلقی شود و متقابلاً ثروتمندبودن و تولید ثروت، بار منفی پیدا کند. حتی امروز اگر دقت کنید، ثروتمندبودن همچنان تا حدی ارزشمند نیست، در حالی‌که فقیر و مستضعف و محروم بودن، اسباب افتخار و سربلندی تلقی می‌شود. خیرآل‌این نوشت؛ صادق زیباکلام گفت: هرچه جلوتر آمدیم، اقشار تحصیل‌کرده‌تر، مدرن‌تر و شهرنشین‌تر فاصله گرفتند، یعنی بخشی از این روند، ملاحظات سیاسی بود که ارزش زیادی به اقشار محروم داده شود. یکی از نتایج مصیبت بار این فرهنگ، ایجاد پنهان‌کاری بود. این فرهنگ تا حدی در فساد بی‌تأثیر نبود، زیرا فساد غالباً پنهانی است. بخشی از همان فساد که ما را

مبتلاکرده، در واقع به‌صورت پنهان رخ می‌داد، و با همین پنهان‌کاری، افراد ثروتمندی می‌شدند یا تلاش می‌کردند ثروتمند شوند. وی افزود: قبل از انقلاب، اگر کسی ثروتمند بود، این مایه سرشکستگی اجتماعی او نبود. برای مثال، امثال احمد و محمود خیامی، خسروشاهی‌ها و... به علت ثروتمند بودن‌شان احساس خجالت و سرافکندگی نمی‌کردند. اما بعد از انقلاب، به دلیل فرهنگ ستایش مستضعفین، همه این گروه‌ها طاغوتی تلقی شدند، اموال‌شان مصادره شد، فرار کردند و تمام امکانات‌شان، کارخانه‌ها و دارایی‌هایشان توسط دولت مصادره شد. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که پیشرفت توسعه اقتصادی کشور بعد از انقلاب کاهش یافت، همین توجه بیش از حد به مستضعفین در مقابل ثروتمندان بود؛ زیرا باعث می‌شد در جامعه، رقتن به دنبال ثروت و ثروتمند شدن، ارزش و اعتبار نداشته باشد. این اسناد دانشگاه در خصوص پرایدسواری سعید جلیلی و ضد گلوله بودن خودروی وی بیان کرد: در بی‌روندی که گفتم انواع و اقسام تظاهر به وجود آمد؛ تظاهر به فقیربودن، تظاهر به محروم‌بودن، تظاهر به پرایدسوارشدن یا پیکان‌سوارشدن، در مقابل اتومبیل خارجی‌سوارشدن، داشتن ویلا، سفر به خارج و زندگی فرزندان در غرب ارزش تلقی شد. در حالی‌که انقلاب اسلامی حرکتی بود که بیشتر در میان اقشار و لایه‌های تحصیل‌کرده جامعه شکل گرفت. راهیمیایی‌های اولیه بیشتر با حضور همین اقشار ولایه‌ها برگزار می‌شد. اگر کسی از جلو حسینیه ارشاد رد می‌شد، می‌دید که افراد زیادی با اتومبیل به حسینیه ارشاد می‌آمدند. بسیاری از آنها پزشک، وکیل، دبیر... بودند و کمتر دیده می‌شد که افرادی در تحصیلات پایین در حسینیه ارشاد حضور پیدا کنند. واقعیت این است که مخالفان و معترضان در آغاز انقلاب، در سال‌های ۵۵ و ۵۶، عمدتاً از اقشار ولایه‌های تحصیل‌کرده بودند. طبقه متوسط و حتی بالای متوسط بودند. اما بعداً همه که قطار انقلاب در سال ۵۷ به راه افتاد، حاشیه‌نشین‌ها هم مثل مردم ورامین و اسلامشهر و... هم به قطاری پیوستند که اقشار ولایه‌های شمال شهرنشین‌تر سوار آن بودند و هسته‌های اولیه راهیمیایی‌ها را شکل می‌دادند. وی عنوان کرد: بعد از انقلاب هم فرهنگی رایج شد که به رشد و گسترش طبقه متوسط کمک نمی‌کرد. البته فقط فرهنگ مستضعف‌پروری نبود که باعث محدود و کوچک شدن طبقه متوسط شد؛ مشکلات و مسائل اقتصادی که ظرف یکی، دو دهه گذشته جامعه را تحت تأثیر قرار داده، باعث شد طبقه متوسط هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فیزیکی کوچک‌تر شود.

◀ **طبقه متوسط کوچک‌تر**

زیباکلام اظهار کرد: من معتقدم که تحولات اجتماعی در ایران، همچون سایر کشورها، عمدتاً با طبقه متوسط و طبقه تحصیل‌کرده آغاز می‌شود. نه با اقشار محروم. البته این اقشار به مرور به جریانات سیاسی می‌پیوندند، اما شروع‌کننده و آغازگر، روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها هستند. به‌رغم محدودیت‌های اقتصادی برای طبقه متوسط، هنوز هم معتقدم حرکت‌های سیاسی و اجتماعی این ناحیه طبقه متوسط شکل خواهد گرفت. این تحلیلگر سیاسی در این خصوص که با ضعف اقتصادی ایجاد شده در طبقه متوسط پشتوانه اجتماعی دولت هم زیرسوال می‌رود، ابراز کرد: نه فکر نمی‌کنم. طبقه متوسط آن قدر کوچک و محدود نشده که عملاً اقشار ولایه‌های محروم که از احمدی‌نژاد یا سعید جلیلی حمایت می‌کردند، در سیاست دست بالا را داشته باشند. همچنان معتقدم که قشر تحصیل‌کرده جامعه، که عمدتاً به طبقه متوسط تعلق دارد، همچنان پشتوانه جریانات معتدل و میانه‌رو است. از جمله دولت‌های پزشکیان، روحانی و خاتمی، به بیان دیگر، هنوز دود از کنده طبقه متوسط بلند می‌شود. این استاد دانشگاه تصریح کرد: به‌رغم اینکه آمار بانک مرکزی می‌گوید یک سوم جامعه زیر خط فقر هستند، همچنان معتقدم که حرکت‌های سیاسی و اجتماعی ترقی‌خواهانه از سوی همین طبقه متوسط که خیلی محدود شده و درآمدش کاهش یافته و با مشکلات تومری و گرانی روبه‌رو است، آغاز خواهد شد. به عبارت دیگر، حرکت‌های سیاسی و اجتماعی آغازگر، هنوز از ناحیه طبقه متوسط شکل می‌گیرد. من فکر می‌کنم طبقه متوسط همچنان محبوب برخی بخش‌های سیاست ایران نیست. اما به علت گسترش فقر در جامعه، طبقه متوسط به‌طور اجتناب‌ناپذیر محدود شده است. وی تأکید کرد: طبقه متوسط کوچکتر شده است، اما به‌رغم کوچک‌بودن آن و به‌رغم اینکه فقر بسیار سنگینی بر این طبقه می‌آورد و باعث شده اقشار ولایه‌های تحصیل‌کرده همچنان موتور تحولات سیاسی و اجتماعی خواهند بود.